

کمونئیست

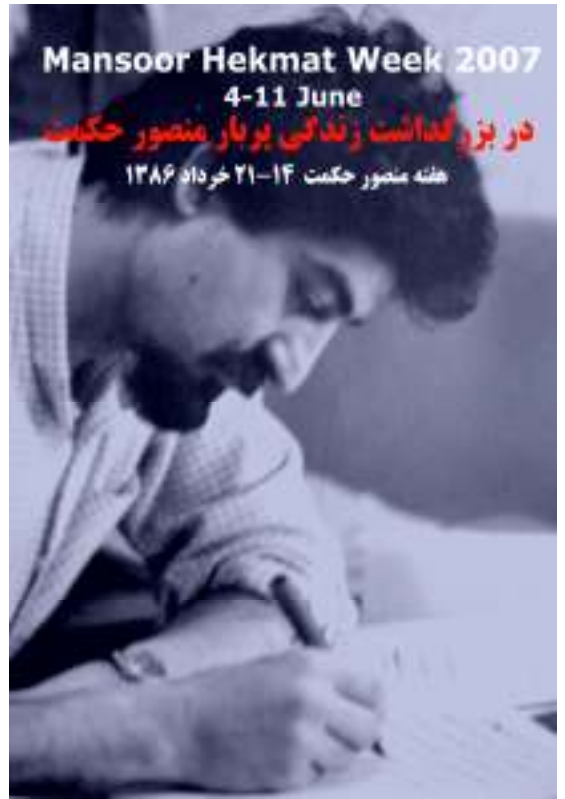
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۶ - ۴۸ ۲۰۰۷

سردبیر: فواد عبداللہی fuad_1917@yahoo.com

www.hekmatist.com



Mansoor Hekmat Week 2007
4-11 June

در بزرگداشت زندانی پر بار منصور حکمت
هفته منصور حکمت ۱۴-۲۱ خرداد ۱۳۸۶

برنامه های آزمایشی پرتو از کانال ۶

برنامه آزمایشی هر روزه تلویزیون پرتو از روز دوشنبه سوم اردیبهشت ۱۳۸۶ برابر با بیست و سوم آوریل ۲۰۰۷ از کانال ۶ روی ماهواره هات برد (Hotbird) پخش میشود.

مشخصات پخش به شرح زیر است:

Satellite: Hotbird 8 Channel 6

Orbital Position: 13 degrees East

Transponder: 14

Downlink Frequency: 11 470

Downlink Polarity: Vertical

FEC: 5/6 Symbol Rate: 27,500

از همه دوستان دعوت می کنیم که با تلویزیون پرتو همکاری کنند و مشخصات پخش برنامه های این تلویزیون را به اطلاع عموم برسانند.

آمریکا، جمهوری اسلامی و صف بندی جدید در اپوزیسیون



کرد. طلیعه های این چرخش که اساسا امروز از طرف نیروهایی مثل اکثریت و پا در میانی همیشگی اینها که انگار در تاریخ نقشی جز محلل سازش با جمهوری اسلامی نداشته اند همراهی بخشی از اپوزیسیون ناسیونالیست پرو غرب و بخصوص جریان مشروطه خواه و جریاناتی شبیهه داریوش همایون را مشاهده می کنیم که همراه با آن تنها به اصطلاح ما به ازاء سازمانی ندارد بلکه بیدار شدن احساسات ناسیونالیستی و همراه کردن آن با جمهوری اسلامی را منعکس می کند که می تواند بازتاب بسیار مخربی در ذهن مردم ایران و اغتشاش فکری در مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران و هر گونه مبارزه برای آزادیخواهی و برابری طلنی داشته باشد. پیچیدگی قضیه اینبار در این است که این سازش با جمهوری اسلامی یک بعدی نیست بلکه مصحول در هم آمیختن فاکتورهای متعددی در جامعه ایران است. یک مولفه نفس وجود جمهوری اسلامی و ادامه حیات و سر کار ماندن و جان سختی کردن آن است. موعظه سازش و تعامل با جمهوری اسلامی که از طرف بخشی از اپوزیسیون راست طرح میشود از سر خود جمهوری اسلامی وجود آن است. مولفه دیگر مسئله دخالتهای آمریکا و خطر جنگ و بالاخره خطر از هم پاشیدگی شیرازه جامعه و گسترش هرج و مرج و عراقیزه شدن ایران است. این فاکتورها در کنار هم سناریوی مشترک و پدیده واحدی را مقابل جامعه قرار داده اند که با هیچ پنس و انبری از هم جدا نمی شوند. در مقابل این کامپلکس و یک پارچگی مسئله که در مقابل مردم ایران قرار گرفته است که این چرخش به راست و سازش با جمهوری اسلامی توصیه می شود. من اینجا مایل هستم که ابتدا راجع به آناتومی این چرخش، سرچشمه آن و همینطور پایه های آن صحبت کنم و بگویم

سخنرانی کورش مدرسی

سمینار پالتاک در تاریخ
۲۸ آوریل ۲۰۰۷ برابر با
۶ اردیبهشت ۸۶

چرا اگر یک جنبشی مینای آرمانش را آزادی و برابری انسانها قرار نهد و خود را به آرمانهایی از جمله استقلال و صنعتی کردن و سوزن ساختن و تمامیت ارضی و آرمانهای سنتی ناسیونالیسم متکی کند، دچار استیصال خواهد شد و امروز راهی جز همکاری با جمهوری اسلامی برای آن باقی نمی ماند. سعی می کنم توضیح بدهم که چرا این اتفاق می افتد و فقط لغزش سیاسی نیست بلکه احتیاج به یک بازنگری عمیق تر در ارزشها، در نگاه کردن به جنبشها و در برخورد به آرمانها و اهداف سیاسی جامعه دارد.

ناسیونالیسم ایرانی دچار یک بن بست است. توضیح خواهم داد که این بن بست از کجا ناشی می شود و چرا همه احزاب ناسیونالیست از جریان افراطی آن تا آنهایی که حتی رگه ای از ناسیونالیسم را در خود دارند دچار بن بست شده اند. بحث من فقط محدود به نیروهای سیاسی نیست بلکه مربوط به سنت و افق و آرمانی است که در جامعه وجود دارد که می تواند در طبقه کارگر و در بخشهای مختلفی از جامعه انعکاس داشته باشد و دارد. داده هایی هست که نفوذ دارد. مقدسات، آرمانها، خوب و بدی هایی وجود دارد که لنگر فکری و آرمانی انسانها را می سازد و نوسان این آرمانها و مقدسات می تواند در آنها تاثیر بگذارد. رابطه جمهوری اسلامی و آمریکا را در نظر بگیریم. ناسیونالیسم ایرانی قبل از اینکه به سعادت، آزادی، رفاه، به حق انسانها در آن جامعه، به حق زن، به وجود استثمار و اختناق و سرکوب و به هر بعد دیگری از هستی آن جامعه فکر کند، به آرمان استقلال و ایران قدرتمند و به شعار "چو ایران نباشد تن من مباد" و "ای ایران مرزپر گهر" فکر می کند.

← ص ۳ و ۲

انجمن مارکس - حکمت لندن

سمینار، بمناسبت هفته حکمت ۲۰۰۷

معرفی آثار، جایگاه تئوری و سیاست در متدولوژی منصور حکمت

همراه با نمایشگاه آثار و کتب منصور حکمت

سمینار در تورنتو، بمناسبت هفته حکمت ۲۰۰۷

برای اطلاعات بیشتر به صفحه ۴ نشریه رجوع کنید!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

استیصالش از این ناشی می شود. این استیصال بر متن سه خطر، که نمی توانید از هم جدایشان کنید کرد، قرار گرفته است. یعنی وجود جمهوری اسلامی، همینطور خطر از هم پاشیدن جامعه، عراقیزه شدن ایران و هرج و مرج و جنگ داخلی، از هم پاشیدن شیرازه های زندگی مدنی و بالاخره خطر جنگ نابودی آن جامعه، میدان مینی که در آن منطقه درست کرده اند و جمهوری اسلامی و آمریکا مشغول رقصیدن روی آن هستند، با انفجار هر مینی هستی مردم ایران می تواند برای صد سال آینده نابود شود. این سه خطر در کنار هم صحنه ای را آفریده اند که ناسیونالیسم مستاصل ایرانی از سر ناچاری، بی افقی و درماندگی که دچارش شده است در حال موعظه چرخش به سمت جمهوری اسلامی است. ائتلاف جدیدی که در حال شکل گیری است در واقع ورژن ایرانی شده بخشی از سیاست آمریکا و بیکر هیلتون است که همانطور که اشاره کردم جریانهای ناسیونالیسم ایرانی در مقابل خطر جنگی که آمریکا برای آن فراهم کرده است، روی آورده است. داریوش همایون وقتی که می گوید "اگر جنگ بشود من در کنار جمهوری اسلامی خواهم ایستاد" تائید این واقعیت است.

موقفه هایی که ناسیونالیسم ایرانی را دچار این بن بست کرده است خود ناسیونالیسم است. ناسیونالیسم ترسیدن از مردم، از آزادی و تلاش برای تعویض کردن جمهوری اسلامی با حفظ آرمانهای ناسیونالیستی است که خود جمهوری اسلامی بهتر از ناسیونالیستها آنرا نمایندگی میکند. ناتوانی تمام تاکتیکها، ناتوانی آمریکا و تمام نیروهای غربی که ناسیونالیسم ایرانی به آنها تکیه کرده بود، و آنها را به غلط و ناحق به عنوان جزئی از تناسب قوای بین مردم و جمهوری اسلامی وارد معامله قدرت در حال ایران کرده بودند. اینکه گویا قرار است آمریکا و انگلیس، و "ندای متمدنی" که آقای رضا پهلوی از آن اسم می برد، جمهوری اسلامی را به تسلیم بکشاند به عکس خود تبدیل شد. بخش اعظمی از ناسیونالیسم ایرانی امروز مستاصل شده است. از لحاظ هویتی زیر فشار است و متوجه نیست. نه می تواند به طرف آمریکا بچرخد و نه می تواند بی طرف در کناری بایستد و در نتیجه به سرعت به سمت جمهوری اسلامی می چرخد. از لحاظ سیاسی مستاصل است بخاطر اینکه هیچکاری نمی تواند بکند، تمام پروژه ها و تمام نیرویی که به آن اتکا کرده بود و امید بسته بود شکست خورده است. تمام وعده ای که به مردم ایران داده بود نقش بر آب شده است و

داریوش همایون انگیزه ها و اندیشیدنها و نیندیشیدن ها، که دو سال پیش اصلا ممکن نبود که کسی چنین حرفی را بزند و اگر هم کسی می گفت که به نیندیشیدنها بی اندیشیم خود این سنت ناسیونالیستی در مقابل آن می ایستاد.

ناسیونالیسم ایرانی "تمامیت ارضی طلبی" است. بحث بر سر نگه داشتن مردم ایران به عنوان اتباع متساوی الحقوق نیست. کسی که بخواهد زندگی آزادانه مردم با هم را تضمین کند باید حق جدایی آنها را به رسمیت بشناسد. دقیقا مانند ازدواج و طلاق که اگر شما حق طلاق را به رسمیت نشناسید، هیچ با هم بودن و ازدواجی

شکست خورد و همراه خود با آن ناسیونالیسم ایرانی را به کرنش در مقابل جمهوری اسلامی کشانده است. "از آمریکا بیاموزیم" شعارهایی است که امروز سر داده می شود. می گویند "مگر نمی بینید که همان آمریکایی که سمبل دموکراسی و وعده های خوبی است که ما به مردم ایران میدهم در حال کنار آمدن و مذاکره با ایران است؟!"; پس ناسیونالیسم ایرانی هم باید با جمهوری اسلامی کنار بیاید. این موضع جدیدی در اپوزیسیون است و پلاتفرم هایی حول آن در حال شکل گیری است. جنبشی که همه چیز را زیر سر انگلیس می دید، کسانی که تمام هویت شان را به اینکه مصدق این

شکست خورد و همراه خود با آن ناسیونالیسم ایرانی را به کرنش در مقابل جمهوری اسلامی کشانده است. "از آمریکا بیاموزیم" شعارهایی است که امروز سر داده می شود. می گویند "مگر نمی بینید که همان آمریکایی که سمبل دموکراسی و وعده های خوبی است که ما به مردم ایران میدهم در حال کنار آمدن و مذاکره با ایران است؟!"; پس ناسیونالیسم ایرانی هم باید با جمهوری اسلامی کنار بیاید. این موضع جدیدی در اپوزیسیون است و پلاتفرم هایی حول آن در حال شکل گیری است. جنبشی که همه چیز را زیر سر انگلیس می دید، کسانی که تمام هویت شان را به اینکه مصدق این

آن آرمانی که بخشی مهمی از نقدش این بود که "ما در ایران حتی نمی توانیم سوزن بسازیم"، امروز می بینند که جمهوری اسلامی مشغول شکافتن هسته اتم است، و این یک بهت و از سر تأیید نگاه کردن و یک همدلی با جمهوری اسلامی را با خود آورده... جنبشی که همه چیز را زیر سر انگلیس می دید، کسانی که تمام هویت شان را به اینکه مصدق این کار یا آن کار را کرد و عکس مصدق بالای سرشان بود امروز نژاد تسلیم اند. سخنرانی احمدی نژاد و خط مصدقی این سخنرانی همه احساسات ناسیونالیستی را به سمت خود و جمهوری اسلامی کشیده است. جمهوری اسلامی در این زمینه و در این خط به اهدافی دست پیدا کرده است که مصدق و مصدقی ها حتی امروز نمی توانند تصورش را بکنند. جمهوری اسلامی به اهداف عظمت طلبانه ای دست پیدا کرده است، که حکومت پهلوی حتی نمی توانست فکرش را بکند. حکومت پهلوی می گفت که "گورش آسوده خواب که ما بیداریم". در صورتی که هیچ زمانی ایران مثل امروز در منطقه قدرتمند نبود. انگلیس اخم میکرد دربار پهلوی عطسه سیاسی می گرفت. امروز جمهوری اسلامی آن آرمان و معیار، آن جریان و کسی که این افق عظمت طلبانه، و نه افق آزادی و برابری انسانها، را دارد دچار بحران، بن بست و نا امیدی کرده است. احساس می کنند که احمدی نژاد بهتر از خودش دارد آنها را به اهدافشان می رساند. نگاه تائید آمیز به آن دارند. و امروز حرفهائی راجع به جمهوری اسلامی می زنند، به قول آقای

ایران مرکز وجود ناسیونالیسم ایرانی است. ایران و ایرانی گری، قدرت و آرمان استقلال ایران جزء لایتجزای آرمان ناسیونالیسم ایرانی است. وقتی که نگاه می کنید می بینید که اگر لنگر و محور آرمانهای اجتماعی یک حزب و جریان سیاسی ایرانی قدرتمند و مستقل در منطقه باشد، جمهوری اسلامی امروز نماینده این استقلال و قدرتمندی در منطقه است. بحران هسته ای که آمریکا شکل داد به شکست خودش انجامید و در مقابل به احساساتی (که نه تنها در نیروهای سیاسی بلکه در جامعه انعکاس آن را می بینیم) دامن زد که از خود ممنونی، احساس غرور به اینکه "ما داریم به تکنولوژی هسته ای دست پیدا می کنیم و رشد می کنیم" را بوجود آورده است. آن آرمانی که بخشی مهمی از نقدش این بود که "ما در ایران حتی نمی توانیم سوزن بسازیم"، امروز می بیند که جمهوری اسلامی مشغول شکافتن هسته اتم است. و این یک بهت و از سر تأیید نگاه کردن و یک همدلی با جمهوری اسلامی را با خود بوجود آورد. به فکر ناسیونالیسم ایرانی و به مخیله مصدق هم نمی رسید که بتواند ملوان انگلیسی را دستگیر کند، آنها را تحقیر کند و بعد ازادشان کند. احمدی نژاد این کار را کرد.

کار با آن کار را کرد و عکس مصدق بالای سرشان بود امروز در مقابل احمدی نژاد تسلیم اند. سخنرانی احمدی نژاد و خط مصدقی این سخنرانی همه احساسات ناسیونالیستی را به سمت خود و جمهوری اسلامی کشیده است. جمهوری اسلامی در این زمینه و در این خط به اهدافی دست پیدا کرده است که مصدق و مصدقی ها حتی امروز نمی توانند تصورش را بکنند. جمهوری اسلامی به اهداف عظمت طلبانه ای دست پیدا کرده است، که حکومت پهلوی حتی نمی توانست فکرش را بکند. حکومت پهلوی می گفت که "گورش آسوده خواب که ما بیداریم". در صورتی که هیچ زمانی ایران مثل امروز در منطقه قدرتمند نبود. انگلیس اخم میکرد دربار پهلوی عطسه سیاسی می گرفت. امروز جمهوری اسلامی آن آرمان و معیار، آن جریان و کسی که این افق عظمت طلبانه، و نه افق آزادی و برابری انسانها، را دارد دچار بحران، بن بست و نا امیدی کرده است. احساس می کنند که احمدی نژاد بهتر از خودش دارد آنها را به اهدافشان می رساند. نگاه تائید آمیز به آن دارند. و امروز حرفهائی راجع به جمهوری اسلامی می زنند، به قول آقای

جمهوری اسلامی اینکار را کرد و ما شاهد نوشته های تحسین آمیز راجع به قدرت ایران اینکه "ببینید ایران تا این حد قدرتمند است" و احساس غرور از اینکه ایران می تواند اینکار را بکند، دیده تحسین به قدرت رژیم در بخشی از اپوزیسیون بودیم. این همدلی و تائید می تواند در ذهن مردم هم بوجود بیاید و جمهوری اسلامی از آن استفاده میکند.

اگر لنگر حرکتی "بیگانگان" و "استقلال" به این معنی است، جمهوری اسلامی اینکار را انجام داد.

در نتیجه شکست دخالت نظامی آمریکا در عراق و پیروزی جمهوری اسلامی در عراق، موقعیت ناسیونالیسم ایرانی مبنی بر اینکه ارتش نجات بخش آمریکا خواهند آمد و ایران را مثل عراق آزاد خواهند کرد (حتما به یاد دارید که تلویزیونهای لس آنجلس فریاد می کشیدند که آمریکا باید مردم ایران را هم نجات دهد) به شدت لطمه خورد. امروز معلوم شد آمریکا برای کسی خوشبختی به ارمغان نمی آورد و ستون آرمان و تصویر دنیا و آینده خوب و رنگین کمائی که قرار بود آمریکا بوجود آورد در عراق خراب شد.

آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی

خطر جنگ

آمریکا همیشه یک سمبل و قهرمان و قبله گاه ناسیونالیسم راست پرو غرب ایران بوده است و دستگاه عظیم تبلیغاتی دارد. فرهنگ لس آنجلس و امید لس آنجلس. آمریکا اینطور است، ما می خواهیم مثل آمریکا شویم و غیره، تکیه کردن به آمریکا، تعریف کردن از آمریکا، آمریکا را بعنوان یک نیروی مثبت وارد صحنه سیاست ایران کردن، جزء هویت ناسیونالیسم پرو غرب ایرانی

دوطلبانه نیست. ناسیونالیسم ایرانی بخش عظیمی از موجودیت خود را بر روی تمامیت ارضی گذاشته است. با گسترش قوم پرستی و فعالیت دار و دسته های قومی و با گسترش شعار "فدرالیسم قومی" و حمایت آمریکا از این شعار، جمهوری اسلامی به مدافع این آرمان ناسیونالیسم ایرانی تبدیل شده است. ظاهرا این جمهوری اسلامی است که از با هم بودن مردم ایران و تمامیت ارضی در مقابل فدرالیسم قومی دفاع می کند. ناسیونالیسم ایرانی جوابی برای این ماجرا ندارد بخاطر اینکه درست از همان نقطه شروع می کند و آرمان او هم تمامیت ارضی طلبی است.

آمریکا همیشه یک سمبل و قهرمان و قبله گاه ناسیونالیسم راست پرو غرب ایران بوده است و دستگاه عظیم تبلیغاتی دارد. فرهنگ لس آنجلس و امید لس آنجلس. آمریکا اینطور است، ما می خواهیم مثل آمریکا شویم و غیره، تکیه کردن به آمریکا، تعریف کردن از آمریکا، آمریکا را بعنوان یک نیروی مثبت وارد صحنه سیاست ایران کردن، جزء هویت ناسیونالیسم پرو غرب ایرانی

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



اگر کسی نگاه کند می بیند که تناسب قوا بیشتر به نفع مردم است و جمهوری اسلامی در مقابل مردم ضعیف تر است. اما جمهوری اسلامی در مقابل راست، ناسیونالیسم و آمریکا قوی تر است.

این چرخش به راست اپوزیسیون و این همکاری با جمهوری اسلامی رسماً میخواید شکست ناسیونالیسم و شکست سیاستهای آمریکا را به شکست مردم در برابر جمهوری اسلامی تبدیل کند.

مردم در مقابل جمهوری اسلامی شکست نخوردند، راست و ناسیونالیست ایرانی شکست خورد. این انتقاد و چرخش در صدد است که تعامل و شکست خود در برابر جمهوری اسلامی را به مردم و به کارگران معترضی که همین امروز در آشپزخانه تجمع کردند، به تظاهرات کنندگانی که برای آزادی زن و برای برابری حقوق زن و مرد با شعار "آزادی و برابری" در هشت مارس جمع شدند و به دانشجویانی که با شعار آزادی و برابری بزرگترین اعتراضات را سازمان دادند، بگویند که تسلیم شوید، فایده ای ندارد! این موعظه ای است که راست به آن مشغول است و ناسیونالیسم از سر استیصال به آن رسیده است.

یک شاخه دیگری از این ناسیونالیسم کاملاً بر سیاستهای خارجی آمریکا و طرفدار ریگانیم منطبق شده است منتها قدرت جنگ ندارد. ریگانیم بدون دندان است. شبیه کوسه ای است که دندان برای گاز گرفتن ندارد اما از نظر آرمانی پشت این سیاست رفته است که اگر آمریکا حتی حمله هم نکند اما به زیر فشار محاصره اقتصادی به مردم ایران گرسنگی بدهد (که تجربه عراق نشان داد که مهلک ترین سلاح کشتار جمعی همین محاصره اقتصادی است و تمام دود آن به چشم کارگر و زحمتکش، کودک، سالخورده و بخش آسیب پذیر جامعه می رود و رژیم از آن مصون می ماند). این سیاست هم برای جمهوری اسلامی عمر می خورد. قدرت این سیاستها در استدلال آنها نیست، در رساله های شبهه آکادمیک و دسته چندی که آقای نگهدار می نویسد نیست بلکه در توهمی است که در ذهن مردم هست. قدرت تبلیغاتی تلویزیون و فرهنگ لس آنجلسی و تاریخ چند ده ساله جنبش ناسیونالیستی است که به مردم ایران حفته کرده اند. بهترین راه جلوگیری از مسموم کردن جامعه و مردم ایران، از یک دوره فلاکت بار و مصیبت بار دیگر، بیرون کشیدن مردم از

زیر بار این ناسیونالیسم است. منتهی به طور واقعی، نفوذ این قدرت در ذهن مردم، کارگر و زن و جوان و مردم عادی زیاد است. "ایرانی"، "خاک ایران"، "ما" زیم انگلیسی ها را بیرون کردیم و تحقیرشان کردیم". اینها معنی زمینی شده آرمان سوزن ساختن، آرمان ایران مستقل و صنعتی قوی بر دوش فلاکت مردم است. جمهوری اسلامی هم همین کار را کرده است. بر دوش بیچارگی و فلاکت مردم در حال ساختن قدرت سپاهی در منطقه است که عملاً عراق را تحت حاکمیت خود در آورده است. این سازش با جمهوری اسلامی به ادامه حیات جمهوری اسلامی و اشاعه قوم پرستی کمک می کند. مردم را نا امید می شوند. اگر نیروهای سیاسی موعظه "راه چاره ای نیست" و "باید با جمهوری اسلامی ساخت" و چرخیدن به سمت جمهوری اسلامی را سر دهند و نیروی رادیکال نباشد که مردم را متشکل کند مردم به سمت نزدیک ترین راه چاره ای که در مقابل خود دارند می چرخند. نمونه لبنان را ببینید که مردم از سر استیصال طرفدار حزب الله شده اند، فلسطین را ببینید که بخش زیادی از مردم از سر استیصال طرفدار حماس شده اند و عراق را ببینید که مردم از سر استیصال طرفدار مقتدا صدر و هزار جانور سیاسی ارتجاعی شده اند. نسخه ای که یک بخش از اپوزیسیون راست در حال پیچیدن آن برای جامعه ایران است، منجر به این می شود که بخشی از مردم برای کاهش بار مصیبتشان و بعنوان تنها راه نجاتشان به نیروهای قومپرست و فاشیست روی آورند. با قدرتمند شدن جریان فاشیست و در مقابل آنها جریانات اسلامی، امکان جنگ داخلی و هرج و مرج و عرقیزه کردن ایران زیاد خواهد شد.

هدف ما چیست؟

ما هیچوقت پنهان نمی کنیم که سرنگونی جمهوری اسلامی بدون از هم گسیختگی زندگی مدنی، بدون خطر جنگ و با تضمین آزادیهای سیاسی مناسبترین شرایط برای رسیدن به هدف ما است. در نتیجه کاری که ما در صدد انجام آن هستیم و هدفی که تعقیب می کنیم شامل:

- تضمین سرنگونی فوری، کم دردتر و کم مشقت تر جمهوری اسلامی. کسی که فکر می کند که اگر مردم ایران جمهوری اسلامی را سرنگون کنند هزینه زیادی می پردازند امروز متوجه نیست که نود درصد مردم آن جامعه، بخش اعظم کارگران و زحمتکشان آن،

جوانان آن، بخش عظیمی از زنان آن جامعه که نیمی از جامعه را تشکیل میدهند، هر لحظه دارند با پیامال شدن حرمت، شرافت، انسانیت، علو تبعشان، زندگی و رفاه و هستی شان هزینه وجود و ادامه حیات جمهوری اسلامی را می پردازند. تضمین رفتن سریع جمهوری اسلامی و ممانعت از سازش و تقویت موقعیت جمهوری اسلامی یک هدف بلاواسطه ما است. تضمین امنیت و آزادی در آن جامعه، تضمین وجود جامعه ای که بتوان در آن زندگی مبارزه سیاسی کرد و آینده بهتری را تصور کرد، بدون سرنگونی هر چه سریع تر جمهوری اسلامی ممکن نیست. تلاش ما این است که جمهوری اسلامی سرنگون شود، تلاش ما این است که شیرازه های جامعه از هم نپاشد و خطر دخالت و امکان حمله نظامی آمریکا را محدود کنیم و از میان برداریم. ما توهمی نداریم و فکر می کنم که همه شنوندگان این بحث امروز موافق باشند که در تحلیل نهایی آن چیزی که همه اینها را متحقق می کند و جمهوری اسلامی را از قدرت می اندازد و مانع از پاشیدن شیرازه های جامعه می شود و آن چیزی که باعث می شود که هر جوی و کوچی ای سنگر کرد و ترک و فارس و عرب و اسلامی و بهایی و غیره نشود و آن چیزی که می تواند مانع حمله نظامی آمریکا به ایران شود، وجود یک نیروی واقعی است. صرف نظر از تفاوت در اهدافی که داریم اما این نیرو قبل از همه چیز طبقه کارگر آن جامعه است. تصور کنید فقط یک روز کارگران نفت، برق، آب، صنایع کلیدی دست از کار بکشند، جمهوری اسلامی رفته است. لازم نیست حتماً سوسیالیست باشید، هیچ بخشی از آن جامعه این قدرت را ندارد که در عرض یک هفته جامعه را بخواباند و در عرض چند ساعت جمهوری اسلامی را سرنگون کند و مانع جنگ شود. همه چیز را متوقف کند، چرخ زندگی را متوقف کند. پرستار، معلم، دانشجو، دهقان، هیچ بخش جامعه نمیتواند این قدرت را داشته باشد. روزی که کارگران صنایع کلیدی دست از کار بکشند و چنان اتحادی میان آنها شکل بگیرد که بتوانند دست به چنین کاری بزنند، جمهوری اسلامی کازش تمام است. دنیا را زمین لرزه ای به صدا در می آورد که از سال ۱۹۱۷ به بعد کسی شاهد آن نبوده است. این قدرت طبقه ما و کار ما است که این طبقه را به میدان بیآوریم. کاری است که در نهایت سر نوشت را تعیین می کند.

در این راه ما تلاش کرده ایم که طبقه کارگر را متشکل تر و روشن تر و متحدتر کنیم و حزب

خودمان را به لولای قدرت در آن جامعه تبدیل کنیم. کسی که می خواهد در برابر جمهوری اسلامی در جامعه قوی تر باشد حزب ما باید این امکان را در اختیارش بگذارد. الان این امکان را نداریم اما این جبهتی است که تعقیب می کنیم و در نهایت این فاکتور است که تعیین می کند که در آن جامعه چه اتفاقی می افتد. اما اینکه هر حزبی دنبال کار خودش باشد که ما هم به نوبه خود هستیم تا اینکه همه احزاب هر کدام به تنهایی کار خودشان را بکنند فاصله خالی نیست. می شود کارهای دیگری هم کرد. همه با هم در تحلیل موافق نیستیم. قطعاً ممکن است عده ای تحلیل من از ناسیونالیسم و بن بست آن را قبول نداشته باشند. از جایگاه طبقه کارگر قبول نداشته باشند، مارکسیست باشند یا ضد کمونیست و یا هر چیز دیگری و اهداف سیاسی ما را تعقیب نکنند.

سوال ما بر سر شکل دادن به یک جور ائتلاف نیست که دنبال این فاکتورها باشیم. سیاست ما ایجاد یک توم بر سر شکل گیری یک اتحاد عمل، یک جبهه یا همکاری نیست. ولی بسیاری از نیروهای که در پاشیدن جامعه ایران، جنگ داخلی، هرج و مرج و سرکوب آزادیها و در نابود کردن شیرازه آن جامعه و در وجود جمهوری اسلامی برای خودشان منفعتی نمی بینند می توانند خاکریزی درست کنند و سطحی از استاندارد را بگذارند و میتوانند توقعی را در جامعه شکل دهند و مقررات بازی را تعیین کنند که کسانی را که با جمهوری اسلامی سر سازش دارند، که کسانی را که در صدد گسترش دادن قومپرستی و دامن زدن به شکافهای قومی و مذهبی و ملی هستند و از امروز خواب جنگ ترک و کرد و بلوچ و عرب را می بینند، زیر نورافکن قرار دهند. سنگری را در جامعه بنا کنیم که مدافعان جنگ و حمله نظامی آمریکا به ایران زیر نورافکن قرار بگیرند و مردم ایران قادر به دیدن این واقعیات باشند. باید یک خواست و توقع اجتماعی را بوجود آورد که مانع این چرخش به راست، تحقق بیچارگی مردم ایران و مانع جنگ و تضمین کننده سرنگونی فوری جمهوری اسلامی باشد.

به اعتقاد ما می توان چنین سنگری را درست کرد. به این شرط که تعداد هر چه بیشتری از نیروهای سیاسی، شخصیت ها و آدمهایی که در ادامه حیات جمهوری اسلامی، در تحقق سناریوی از هم پاشیدن بنیادهای مدنی جامعه، که گسترش قومپرستی و شکافهای قومی و مذهبی، در وقوع جنگ در آن منطقه سهم نیستند و بلعکس، خودشان را لاقدر در سطح

آرمانشان به هر اعتباری، طرفدار آزادی و رهایی مردم ایران می دانند این سنگر را ببندند. تلاش ما این بوده و هست که بخش هر چه وسیعتری از نیروهای اپوزیسیون را پای یک تعهد مشترک به محکوم کردن حمایت کردن از جمهوری اسلامی، به دفاع از آزادیهای مردم ایران و تضمین این آزادیها و به سرنگون کردن جمهوری اسلامی و به ممانعت و مخالفت کردن با جنگ و محاصره اقتصادی ایران که همه پدیده های واحدی در مقابل جامعه ایران هستند بیآوریم.

اوضاع جدیدی که در حال شکل گیری است مبرمیت این روشبینی و تقابل با جمهوری اسلامی و کل وضعیت اسفباری که عواقب تسلیم ایندولوژیک و استیصال سیاسی ناسیونالیسم ایرانی را به وجود آورده است را نشان میدهد و بیش از پیش بر اهمیت بنا نهادن سنگر و صفی بر روی پاهای خود در جامعه تاکید می کند. این سیاستی بود که کنگره اول حزب و پلنوم های ما توصیه کرده بودند. منتها از زمان کنگره اول حزب تا امروز اتفاقات جدیدی افتاده است. کنگره ما پیشبینی کرده بود که ناسیونالیسم ایرانی دچار بحران هویتی و استیصال سیاسی خواهد شد و ممکن است به سمت جمهوری اسلامی بچرخد. امروز در مقابل چشمان ما این چرخش در ابعاد به مراتب عظیم تر از دو خرداد اتفاق می افتد و وظیفه هر نیروی آگاه و هر آدم آزادیخواه و برابری طلبی که از وجود جمهوری اسلامی تنگ دارد، نمی خواهد جامعه ایران پدیده ای مثل عراق و یوگوسلاوی شود، نمی خواهد کل بنیاد زندگی در آن جامعه با بمباران های وسیع توسط آدمهای وحشی چون بوش و دولتهای کثیفی چون دولت آمریکا تخریب شوند، باید این سنگر را بسازد. ما فراخوان می دهیم که باید به این سنگر پیوست و تلاش کنیم که بزروه های بیشتری به شکل دادن به چنین سنگری بپیوندند. تلاش کنیم که مانع این چرخش به راست در بخشی از اپوزیسیون شویم و آنها را رسوا و زیر نورافکن قرارشان دهیم، استدلال را از آنها بگیریم، عواقب سیاستشان را باید به مردم نشان داد و مانع گسترش صفوف شان شویم. باید مانع تسری پیدا کردن عواقب این چرخش به داخل ایران شویم. کاری کنیم که صف آزادی خواهی، برابری طلبی و صف سرنگونی جمهوری اسلامی قدرتمندتر از این مبارز بیرون آید و با آگاهی و هوشیاری بیشتری به این مبارزه برخورد کند.

بیاده و ادبیت از کمونیت

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!



انجمن مارکسی - حکمت لندن

سمینار، بمناسبت هفته حکمت ۲۰۰۷
یکشنبه ۳ ژوئن ۲۰۰۷، ساعت ۲ تا ۵ بعداز ظهر

در بزرگداشت منصور حکمت، بزرگترین متفکر مارکسیست معاصر و بنیانگذار انجمن مارکس لندن

چهار سخنرانی:

فاتح شیخ: "انقلاب بیوقفه" در تفکر سیاسی منصور حکمت

حسین مرادیگی: جنبش سلبی - اثباتی، فعالیت کمونیستی و شم رهبری کمونیستی در دوره انقلابی
اعظم کم گویان: منصور حکمت و نقد دین - کمونیسم کارگری و مذهب
کوروش مدرسی: حکمت و تحزب کمونیستی

ورود برای عموم آزاد است.

لطفاً از آوردن کودکان زیر ۱۶ سال خودداری کنید.

ورودی: رایگان

برای اطلاعات بیشتر با نسرین جلالی مدیر انجمن مارکس - حکمت 07708125993 و یا

سعید آرمان 89487 004477910 تماس بگیرید.

ایمیل: marx.hekmat@gmail.com

www.marxhekmatsociety.com

هفته منصور حکمت، هفته ای است که طی آن مجموعه ای وسیع از فعالیت و ابتکار برای شناساندن منصور حکمت و ارج نهادن به دست آوردهای زندگی او در همه عرصه ها را شامل میشود. هفته منصور حکمت در سالروز تولد او، تلاشی است برای حرکت در آوردن جامعه در ابعاد کلان برای بزرگداشت زندگی این انسان ترین متفکر عصر ما.

معرفی آثار، جایگاه تئوری و سیاست در متدولوژی منصور حکمت

همراه با نمایشگاه آثار و کتب منصور حکمت

در بزرگداشت منصور حکمت بزرگترین متفکر مارکسیست معاصر

سخنران: نسان نودینیان

جمعه ۸ ژوئن ۲۰۰۷، ساعت ۵ تا ۸ بعداز ظهر

کلن: 5-3 Melchoir str - Ebert Platz (Alterfeuerwache)

ورود برای عموم آزاد است.

لطفاً از آوردن کودکان زیر ۱۶ سال خودداری کنید.

ورودی: رایگان
برای اطلاعات بیشتر با رامین کلرنگ ۰۱۶۳۵۵۰۸۹۸۶ و محمد رضا بیات زراتی ۰۱۶۲۳۲۰۵۰۵۱ تماس بگیرید.

سمینار نورتنو بمناسبت هفته حکمت ۲۰۰۷

شنبه ۹ ژوئن ۲۰۰۷، ساعت ۳ تا ۷ بعداز ظهر

در بزرگداشت منصور حکمت بزرگترین متفکر مارکسیست معاصر

۲ سخنرانی از: فاتح شیخ

به زبان فارسی: استراتژی "نظم نوین جهانی" آمریکا:

متدولوژی و تحلیل منصور حکمت در برخورد به آن

به زبان کردی: منصور حکمت و سیاست کمونیستی در عراق (و کردستان عراق)

(منصور حکمت و سیاستی کمونیستی له عراق و له کوردستانی عراق)

ورود برای عموم آزاد است. لطفاً از آوردن کودکان زیر ۱۶ سال خودداری کنید.

ورودی: رایگان
برای اطلاعات بیشتر با مینو همیلی تلفن: ۴۱۶ ۴۷۶ ۳۲۲۷ و یا عادل احمد ۴۱۶ ۸۷۷ ۳۵۷۷ تماس بگیرید.

ایمیل: mhomaily@yahoo.com

تماس با حزب

کوروش مدرسی لیدر حزب

koorosh.modarresi@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۳

خالد حاج محمدی معاون لیدر

khaledhaji@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان

husienzade_r@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی

fateh_sh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۷۵۱۲

عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی

darabiabe@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۵۲۱۶۳

مهرنوش موسوی دبیر کمیته خارج کشور

mehrnousch@aol.com

بهرام مدرسی دبیر کمیته کل کشور

bahrammodarresi@gamil.com

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱

جمال کمانگر دبیر سازمان جوانان حکمتیست

jamalkamangar@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

به حزب حکمتیست کمک مالی کنید!

کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید:

Name: A.J

Bank: NatWest

Account No: 65041283

Sort code: 601520

سایتهای حزب و نهادهای نزدیک به حزب

www.hekmatist.com

www.jawanx.com

www.marxhekmatsociety.com

www.iran-telegraf.com

www.oktoberr.org

www.hekmat.public-archive.net

دبیر خانه حزب

mail@hekmat.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۳۰۳۷۹۵۲۶

رضا کمانگر

مسئول روابط عمومی حزب

r_hekmatist@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۲۸۴۰۵۶۲۹۵۴۸